

چگونگی شکل‌گیری یادمان نادرشاه و نسبت آن با ایدئولوژی حکومت پهلوی

علیرضا اسماعیلی^۱

علی بیگدلی^۲

مهرناز بهروزی^۳

چکیده

یادمان‌سازی برای شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی، به‌عنوان یک سنت، سابقه دیرینه‌ای در معماری ما داشته است. در ساخت این یادمان‌ها معمولاً به تناسب شخصیت افراد از انواع نمادها و نشان‌ها استفاده شده است. در تاریخ معاصر انجمن آثار ملی با ساخت ده‌ها آرامگاه و مجسمه برای رجال سیاسی و فرهنگی، یکی از نهادهای پیشرو در این زمینه بوده است. در این راستا انجمن آثار ملی، در سال ۱۳۳۴، ساخت آرامگاه و مجسمه نادرشاه را به دو تن از هنرمندان نام‌آشنای حوزه معماری و مجسمه‌سازی، هوشنگ سیحون و ابوالحسن صدیقی، سفارش داد؛ افتتاح و بهره‌برداری از این مجموعه تا سال ۱۳۴۲ به طول انجامید. با توجه به جایگاه ویژه نادر در تاریخ ایران و مقبولیت وی در بین توده مردم، این اقدام انجمن در بین فعالیت‌های دوره دوم آن از اهمیت خاصی برخوردار است. در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و بهره‌گیری از اسناد و تحقیقات جدید

۱. گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

alirezaesmaili.ti@gmail.com

۲. گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

alibigdeli.hist@yahoo.com

۳. گروه تاریخ و باستان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

mehrnz_behroozi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۰

سعی شده در کنار واکاوی جنبه‌های هنری این یادمان، به این سوال پاسخ داده شود که انجمن و حاکمیت چه اهداف سیاسی و ایدئولوژیکی را در انجام این اقدام دنبال می‌کرده‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد پرداختن انجمن به این اقدام در برهه‌ای خاص از تاریخ ایران و حمایت و نظارت مستقیم و مستدام شاه برای انجام آن، دلایلی فراتر از ساخت یک یادمان صرف برای شخصیتی تاریخی همچون نادر داشته است.

کلمات کلیدی: انجمن آثار ملی، یادمان‌ها، آرامگاه‌ها، مجسمه‌سازی، نادرشاه، ایدئولوژی، حکومت پهلوی.

۱. مقدمه

انجمن آثار ملی، که پس از پیروزی انقلاب اسلامی به انجمن آثار و مفاخر فرهنگی تغییر نام یافت، یکی از قدیمی‌ترین و ماندگارترین انجمن‌های فرهنگی است که با همفکری جمعی از رجال متجدد سیاسی و فرهنگی اواخر دوره قاجار، همچون محمدعلی فروغی، عبدالحسین تیمورتاش، سیدحسن تقی‌زاده، ارباب کیخسروشاهرخ، ابراهیم حکیمی، نظام‌الدین حکمت، حسن پیرنیا و نصرت‌الدوله فیروز، در اردیبهشت ۱۳۰۴ تأسیس شد. ناسیونالیسم باستان‌گرا و تجدد غربی، دو رویکرد اصلی این انجمن بود؛ رویکردهایی که شاخص‌های ایدئولوژی سلطنت پهلوی اول نیز محسوب می‌شد. بنیانگذاران انجمن آثار ملی که تقریباً تمامی آنان جزو رجال سیاسی و فرهنگی دوره رضاشاه بودند، در دوره اول فعالیت انجمن که تا سال ۱۳۱۴ ادامه یافت، کوشیدند در سایه فعالیت‌های آن، آمال و آرزوهای سیاسی و فرهنگی خود را در فضای بسته و مملو از خودکامگی رضاشاه، پیش ببرند. تهیه فهرست بناهای تاریخی و آثار باستانی و ساخت آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی، با بهره‌گیری از نمادها و نشان‌های باستانی و نیز برگزاری هزاره وی، از مهم‌ترین فعالیت‌های انجمن در این دوره بود. اما فعالیت‌های این دوره انجمن، به دلایل گوناگونی، از جمله بدگمانی و سوءظن شدید رضاشاه نسبت به رجال و شخصیت‌های پیرامون خود و حذف تعدادی از آنان، که شامل برخی از بنیانگذاران اصلی انجمن آثار ملی نیز می‌شد، از اوایل سال ۱۳۱۴ تعطیل شد. همچنین سیاست‌های فرهنگی در این دوره که تمرکزگرا و دولتی بود، با اهداف انجمن در تضاد بود. این تعطیلی تا آذرماه ۱۳۲۳ که دوره جدید فعالیت انجمن شروع شد، ادامه یافت.

پس از اشغال ایران توسط متفقین و فروکش کردن جنگ جهانی دوم، فعالیت‌های دوره دوم انجمن، در فضایی بازتر و ابعادی وسیع‌تر از گذشته آغاز شد. ساخت آرامگاه و مجسمه مفاخر فرهنگی و شخصیت‌های سیاسی، کمک به اداره کل باستان‌شناسی برای مرمت و بازسازی بناهای تاریخی و آثار باستانی و چاپ و نشر متون کهن و کتاب‌های ادبی و تاریخی، از جمله فعالیت‌های این دوره انجمن است. در این میان ساخت آرامگاه و مجسمه نادرشاه افشار جزء مهم‌ترین اقدامات انجمن آثار ملی در این دوره است. در این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی، عمدتاً با بهره‌گیری از اسناد، به‌ویژه اسناد منحصر به فرد بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، این اقدام انجمن آثار ملی که در آن، در کنار ذوق هنری، عناصر سیاسی و ایدئولوژی هم لحاظ شده است، مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. آرامگاه نادرشاه؛ نماد اقتدار سلطنت

انجمن آثار ملی فعالیت دوره دوم خود را با رویکردی متفاوت‌تر از گذشته، با نگاه تمدنی و فرهنگی در کنار تأکید بر عنصر ایرانی‌ت، با برگزاری هزاره ابن سینا در تهران و همدان و ساخت آرامگاه و مجسمه او و نیز ساخت آرامگاه و مجسمه سعدی در شیراز آغاز کرد. این اقدامات تا سال ۱۳۳۳ به انجام رسید، اما هنوز انجمن آثار ملی از زیر بار هزینه‌های سنگین آن‌ها خارج نشده بود که یکی دیگر از طرح‌های بزرگ انجمن شروع شد. این بار نه یک شاعر و شخصیت علمی، بلکه ساخت مجسمه و یادمان یکی از سلاطین بزرگ تاریخ ایران که در میان مردم از جایگاه و جاهت بالایی برخوردار بود، با دستور مستقیم شاه، در دستور کار انجمن آثار ملی قرار گرفت. محمدرضاشاه که پس از کودتا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ احساس اقتدار می‌کرد و اعتماد به نفس از دست رفته خود را بازیافته بود، این بار دستور داد مقبره نادرشاه افشار، که نمادی از اقتدار و عظمت پادشاهی در ایران پس از صفویه بود، ساخته شود.

نادرشاه نماد دولت مقتدر در دوران سنت بود، که پس از دوره‌ای هرج و مرج سربرآورد. در نظر برخی از متجددین و روشنفکران ایرانی، رضاشاه بدیلی از نادرشاه در دوره مدرن بود. حتی فروغی در خطابه تاجگذاری رضاشاه، اشاراتی به نقش و جایگاه

نادر در تاریخ ایران داشت (پورشالچی، ۱۳۹۰: ۲۹۹). رضاشاه هم مانند نادر نه از تخمه شاهی بود، نه از پشتوانه ایلی و قبیله‌ای محکمی برخوردار بود و نه با هجوم و شورش بر سلسله قبلی غلبه کرده بود. هرچند رضاشاه از دل کودتا برآمده بود، اما انقراض قاجاریه به رأی مجلس مشروطه - هرچند غیرقانونی - و پادشاهی رضاخان به رأی مجلس مؤسسان بود. گویی مجلس مؤسسان بدیلی برای مجمع بزرگان در دشت مغان بود که رأی به شاهی نادر داد. طنز روزگار آنکه با وجود اقبال عمومی به شاهی نادر و رضاخان، این وضعیت پایدار نماند و هر دو در اواخر سلطنتشان دچار نارضایتی عمومی شدند. اگر نادرشاه به دست سردارانش کشته نمی‌شد، معلوم نبود فرجام شورش‌ها علیه او به کجا بیانجامد. همچنان که رضاشاه در میانه شکاف میان دولت و ملت توسط بیگانگان ساقط شد. بر این اساس نادر پادشاهی محبوب برای پهلوی‌ها بود و رضاشاه نسبت به وی احساس همزادپنداری می‌کرد. نادرشاه برخلاف صفویان که نمادی از پیوند دین و حکومت بودند، در بی‌توجهی به علما و فقیهان شهره بود. از همین رو در نمادسازی از او در دوره‌ای که محمدرضا شاه قصد عبور از بحران‌های سیاسی و اجتماعی را داشت، شخصیتی مناسب بود.

در توجه سلطنت پهلوی دوم به نادرشاه نیز، شاید بتوان از دریچه تفسیر و تبیین قدرت از نگاه میشل فوکو به آن نگریست؛ اینکه ذهنیت و عینیت از طریق ساختار زبان خالق یکدیگرند (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۵۳-۵۴) و تفکر پدیده‌ای گفتمانی و تاریخی است (کلگ، ۱۳۸۰: ۲۶۸). در این نگاه مکان‌ها تولیدکنندگان گفتمان خاص تاریخی تلقی می‌شوند. بر این مبنا سوژه مخلوق قدرت است (هیدنس، ۱۳۸۰: ۱۳۴-۱۳۵). بنابراین نادرشاه در ذهنیت و عینیت تاریخی، آن‌گونه برساخته شد که سلطنت محمدرضا شاه از آن مراد می‌کرد و آرامگاه و مجسمه او تصویری از گفتمان خاص سلطنت پهلوی در این برهه از زمان شد و بدین ترتیب تلاش برای نمادسازی نادرشاه آغاز گردید. علاوه بر این، محمدرضا شاه همواره در صدد بود شاهی متجدد از خود به نمایش بگذارد و توجه به فعالیت‌های فرهنگی و هنری در برساختن چنین چهره‌ای مؤثر بود. گویا او برای فاصله گرفتن از چهره خشن و نظامی پدرش، سعی می‌کرد خود را حامی انواع هنرها نشان دهد (Grigor, 2002: 20).

به نظر می‌رسد در بعد خارجی نیز آغاز ساخت آرامگاه نادرشاه حساسیت دولت هندوستان را به همراه داشته است. چنان‌که در هنگام مطرح شدن ساخت آرامگاه نادر،

علی‌اصغر حکمت، سفیر ایران در هند، طی نامه‌ای به انجمن آثار ملی، خواستار کنار گذاشتن این طرح برای جلوگیری از آسیب رسیدن به روابط خوب ایران و هند شد (Grigor, 2009: 119).

۳. پیشینه ساخت آرامگاه نادرشاه

پس از قتل نادرشاه افشار، جنازه او در مقبره‌ای دفن شد که در زمان حیاتش برای خود و فرزندش رضاقلی میرزا، در بالا خیابان مشهد ساخته بود. وقتی آقا محمدخان قاجار به سلطنت رسید، برای ارضای غریزه انتقام‌جویی خود، دستور داد مقبره نادر را با خاک یکسان کنند و استخوان‌های او را همانند رقیب دیگرش، کریم‌خان زند، به تهران منتقل کرده، در زیر درگاه قصر خود قرار دهند تا هر بار که بر آنجا قدم می‌زند، به آرامش خاطر برسد. پس از این اتفاق آرامگاه نادر به صورت توده خاکی درآمد و ده سال بعد «از خاک فاتح هند شلغم و علف هرزه» سردرآورد (کرزن، ۱۳۷۳: ج ۱/۲۳۱). البته به نظر می‌رسد در این باره کرزن خواسته به تحقیر و تخفیف نسبت به فاتح هند پیش از تسلط بریتانیا بنگرد. از همین رو در صحت روایت او بایستی تأمل کرد.

تا پیش از ساخت آرامگاه جدید نادرشاه افشار، آرامگاه وی در وضعیت بسیار نامطلوبی قرار داشت و در داخل محوطه‌ای بود که «گاری‌خانه و درشکه‌خانه» شده بود. احمد قوام در سال ۱۲۹۶ که والی خراسان بود، دستور داد استخوان‌های نادر از تهران به مشهد منتقل شود و مقبره‌ای برای او احداث گردد. بنابراین مقبره‌ای آجری به‌کوشش دموکرات‌های مشهد و عده‌ای از علاقه‌مندان او ساخته شد و محوطه‌گاری‌خانه به باغی زیبا تبدیل شد. اما این بنای آجری به مرور زمان به علت رطوبت رو به ویرانی گذاشت (معصومی، ۱۳۵۵: ۱۱۴).

تا سال ۱۳۰۹ خبری از تعمیر یا مرمت این آرامگاه نیست؛ در این سال، محمود جم، والی ایالت خراسان و سیستان خبر از خاتمه تعمیرات مقبره نادرشاه داد و به وزارت دربار اعلام کرد، باتوجه به نظر ویژه رضاشاه نسبت به مقبره مذکور، شایسته است این مقبره «بهتر و عالی‌تر باشد». وی از عبدالحسین تیمورتاش، وزیر مقتدر دربار رضاشاه خواست، تا اجازه دهد فعلاً مقبره با اشیائی از نادر (شمشیر، کمان، سپر و تبرزین) و

سایر وسایل جنگی عهد او و نیز مجسمه نادر، اثر کمال‌الملک، آراسته شود (بهرامی و عبدی، ۱۳۸۰: ۲۹۷-۲۹۸).

در سال ۱۳۲۸ نیز، در سفری که محمدرضا شاه به خراسان داشت، طی بازدید از آرامگاه نادر، به نایب‌التولیه آستان قدس رضوی دستور داد مطالعاتی درخصوص ساخت آرامگاهی شایسته برای وی، از محل موقوفات نادری انجام دهد. اداره اوقاف خراسان هم پس از رهاسازی موقوفه آرامگاه نادرشاه دردهشک قائن، به شعبه انجمن آثار ملی در خراسان مراجعه کرد و خواستار تهیه نقشه مناسبی برای آرامگاه نادر، از محل درآمد موقوفه مذکور، شد. اما به‌رغم این درخواست، عملاً اقدامی در این زمینه صورت نگرفت (بحرالعلومی، ۱۳۵۵: ۲۱۷-۲۱۹).

سرانجام پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ زمینه اجرای دستور شاه فراهم شد. انجمن آثار ملی برای اجرای دستور او، کمیسیونی مرکب از علی معتمدی، وزیر مشاور؛ مؤید ثابتی، سناتور خراسان؛ امان‌الله جهانبانی؛ سرلشکر زاهدی، معاون وزارت جنگ؛ ابوالحسن صدیقی؛ سرتیپ احمد بهارمست، رئیس دایره تعاون و انتشارات ستاد ارتش؛ نصرت‌الله مشکوتی، مدیرکل اوقاف؛ محمدتقی مصطفوی، رئیس باستان‌شناسی و دبیر انجمن آثار ملی و هوشنگ سیحون، در تاریخ سه‌شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۳۴ تشکیل داد (مرکز اسناد ریاست جمهوری، پایگاه نخست‌وزیری: پرونده شماره ۱۷۶۵۰).

پس از بحث و تبادل نظر در این کمیسیون، ساخت مجسمه نادرشاه به ابوالحسن صدیقی و ساخت آرامگاه وی به هوشنگ سیحون سپرده شد. قبلاً استانداری خراسان، در سال ۱۳۳۳، در برآورد اولیه، هزینه ساخت آرامگاه و مجسمه نادرشاه را حدود دو میلیون تومان تخمین زده و به وزارت دربار پیشنهاد کرده بود. این اعتبار در درجه اول از طریق ارتش و سپس سایر ادارات و سازمان‌های دولتی و نیز نمایندگان مجلسین سنا و شورای ملی تأمین شود (بحرالعلومی، ۱۳۵۵: ۲۲۱).

براساس تصمیم کمیسیون، انجام مراحل کار و طریقه تأمین هزینه‌ها بین وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مربوطه تقسیم شد. ارتش موظف شد هزینه تهیه مجسمه برنزی نادرشاه را با استفاده از صدی یک حقوق افسرانی که در ماه بیش از پنج هزار ریال دریافت می‌کردند و تا آن زمان این مبلغ را که نزدیک به پنج میلیون ریال بود برای تأمین ترمیم حقوق آموزگاران می‌پرداختند، به این امر اختصاص دهد و در صورتی که این مسیر به نتیجه نرسید، وزارت جنگ موظف بود این مبلغ را به هر طریق ممکن، از

جمله به وسیله اعانه و کمک تأمین کند (مرکز اسناد ریاست جمهوری، همان: پرونده شماره ۱۷۶۵۰). در واقع باتوجه به شخصیت نادر و غالب بودن وجه نظامی او، نقش ویژه‌ای به وزارت جنگ برای تأمین هزینه‌های این طرح سپرده شد و ساخت مجسمه نادر به عنوان نماد اقتدار پادشاهی، اولی‌تر از تعلیم و تربیت فرزندان ملت به شمار آمد. استانداری و انجمن آثار ملی خراسان متعهد شدند مبلغ ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال هزینه تهیه سنگ و احداث سکویی را که زیر آن دخمه و محل آرامگاه بود و پایه مجسمه محسوب می‌گردید «از طریق اعانه از متمکنین و ملاکین خراسانی در مشهد و تهران و شهرهای دیگر خراسان» تأمین کنند. وزارت فرهنگ و سازمان اوقاف نیز، مکلف به تأمین مبلغ ۳/۰۰۰/۰۰۰ ریال هزینه «خرید چند باب دکان برای تکمیل باغ و احداث بنای موزه و کتابخانه و منزل متصدی آرامگاه» نادرشاه شدند (همانجا).

تأمین ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال هزینه «ایجاد باغ و استخر و آب‌نما و نهر آب و گل‌کاری» آرامگاه از آب چاه متعلق به دارالتولیه، به آستان قدس رضوی سپرده شد؛ سازمانی که زیر نظر مستقیم شاه به عنوان تولیت آستان قرار داشت. شهرداری مشهد نیز مسئول تهیه و نصب نرده اطراف باغ نادری شد. سایر هزینه‌ها، از قبیل «حق‌الرحمه مهندسين و کارشناسان و اجرای قسمت‌های پیش‌بینی نشده»، از محل تنی سی ریال سیمان که سازمان برنامه از طرف انجمن آثار ملی دریافت می‌کرد، به انجمن محول گردید. سپس وزارت دربار بلافاصله پی‌گیری مصوبات این کمیسیون را به نخست‌وزیری ابلاغ کرد و خواستار اعلام نتیجه اقدامات برای اطلاع شاه شد (همانجا). بدین ترتیب با استقبال مقامات دولتی، به‌ویژه شخص شاه، ساخت آرامگاهی مناسب مقام و نبوغ نظامی نادرشاه در دستور کار انجمن آثار ملی قرار گرفت (همان، پرونده شماره ۲۹۳۵۶).

۴. مراحل ساخت آرامگاه نادرشاه

پس از انتخاب ابوالحسن صدیقی و هوشنگ سیحون به عنوان هنرمندان مجری کار، آن‌ها طرح مجسمه و نقشه بنای آرامگاه نادرشاه را با در نظر گرفتن جهات مختلف شخصیت او تهیه کردند. این طرح و نقشه در شورای فنی استادان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران مورد بررسی قرار گرفت و تصویب شد. سپس، از تأیید شاه گذشت و برای اجرا به انجمن آثار ملی ابلاغ گردید (همان، پرونده شماره ۱۷۶۵۰).

چنانکه ملاحظه می‌شود، این بنای یادبود از معدود فعالیت‌های انجمن بود که ساخت آن با نظارت مستقیم و مستمر شاه پیش می‌رفت. اجرای طرح، ابتدا در مرداد ۱۳۳۵ بین شش شرکت ساختمانی به مناقصه گذاشته شد و پیشنهادهای ارائه شده، با حضور هیئت‌مدیره انجمن و محسن فروغی، ابوالحسن صدیقی، هوشنگ سیحون و عبدالعزیز فرمان فرمایان بررسی گردید و پیشنهاد شرکت کا.ژ.ت که ۶٪ از بقیه ارزان‌تر بود، پذیرفته شد (بحرالعلوم، ۱۳۵۵: ۲۲۴). بنابراین، انجمن آثار ملی اجرای طرح آرامگاه را تحت نظارت محسن فروغی و حسین جودت، به شرکت کا.ژ.ت، واگذار کرد (معصومی، ۱۳۵۵: ۱۱۵) و از آذرماه ۱۳۳۵ ساخت آرامگاه شروع شد. در نتیجه خاک‌برداری و آزمایش‌های دقیق زمین محل آرامگاه، مشخص شد به علت سستی خاک محل، اجرای نقشه مورد نظر همانند آرامگاه فردوسی، در آینده دچار مشکل خواهد شد، لذا طبق نظر مهندسین احداث یک طبقه ضخیم بتن مسلح در کف زیرزمین تمام زمین آرامگاه و مجسمه ضروری شناخته شد؛ این امر مبلغ شش میلیون ریال به هزینه‌های قبلی افزود. حسب دستور منوچهر اقبال، نخست‌وزیر، مبلغ یک میلیون ریال به سهم هر یک از سازمان‌ها و نهادهای سابق‌الذکر، به جز شهرداری مشهد، افزوده شد، تا هزینه‌های مازاد تأمین گردد (مرکز اسناد ریاست جمهوری، همان: پرونده شماره ۲۹۳۵۶).



تصویر ۱. پلان آرامگاه نادر، ترسیم هوشنگ سیحون

(بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، زونکن ۴)

آرامگاه نادرشاه شامل تالار مقبره و دو موزه بود، که یکی به جنگ‌افزارهای زمان نادر و دیگری به جنگ‌افزارهای پیش از نادر اختصاص داشت. برج مرتفعی نیز برای قرار گرفتن مجموعه مجسمه نادرشاه، سوار بر اسب، و قزلباش‌های همراه وی در نظر

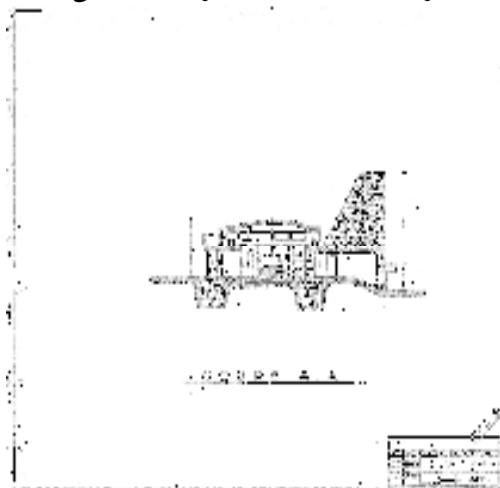
گرفته شده بود. به‌طور کلی در بنای آرامگاه نادرشاه، از نمادها و نشانه‌هایی که بیانگر هویت شخصی اوست؛ یعنی صلابت و قدرت از یک سو و سادگی و بی‌پیرایگی از سوی دیگر، استفاده شده است. گویی طراحان در پی آن بودند از طریق نادر نشانه‌هایی از اقتدار نهاد سلطنت و نجات‌بخشی آن را نشان داده و کودتای ۲۸ مرداد را نشانه‌ای از نجات ایران تصویر کنند.

در ساخت آرامگاه نادر از معماری سنتی ایران، یعنی مسجد تاریخانه دامغان، الهام گرفته شده است (بحرالعلوم، ۱۳۵۵: ۲۳۷). هوشنگ سیحون که در طراحی این بنا سعی کرده از تمامی نمادها و نشانه‌ها استفاده کند، در خصوص ایده اصلی طراحی آرامگاه می‌گوید: «این ساختمان براساس دو شکل اصلی هندسی، یعنی مربع و مثلث طراحی شده است». قطعات بزرگ سنگ‌های خارای به کار رفته در آن، نشانه «صلابت و عظمت» نادرشاه است. پوشش ویژه آرامگاه نیز نماد «چادر عشایری» است که نادرشاه در آن متولد و کشته شد. سیحون که استاد به‌کارگیری اشکال هندسی در معماری یادمان‌های معماری معاصر ایران است، می‌گوید:

تالار آرامگاه به شکل مربع از دو دیوار قرمز رنگ سنگی بسته و دو قسمت ستون‌بندی باز تشکیل شده است که سنگ مزار نادر در گوشه این مربع در پناه دو دیوار جا دارد و به طرف بیرون نگاه می‌کند. این زاویه و پناه و باز بودن تالار حالت صحنه جنگ و دفاع و حمله را تداعی می‌کند. رنگ قرمز دو دیوار به مفهوم جنگ است و برجستگی‌های با ابعاد متفاوت سنگی که از دو دیوار بیرون آمده‌اند نبردهای مختلف نادر را نشان می‌دهند. ستون‌های اطراف تالار از نقشه مربع‌های قاعده و بالای ستون به ترتیبی که ۴۵ درجه نسبت به هم چرخش دارند طرح شده که در نتیجه هشت مثلث با چهار قاعده در بالا و چهار قاعده در پایین نشانه‌ای از کلاه نادر است (رمضانیان، ۱۳۹۳: ۴۹).

سیحون در طراحی برج پایه و مجموعه مجسمه نادرشاه نیز از نشانه‌ها و نمادها بهره گرفته است. «برج پایه و مجموعه مجسمه با هم طرح شده‌اند، به ترتیبی که حالت دینامیک و حمله و یورش را مجسم می‌کنند» و نادرشاه «از طرف برج مجسمه به طرف موزه حرکت صعودی دارد که به تبعیت از مجموعه برج و مجسمه‌ها حالت دینامیک و جهشی جنگ را تداعی می‌کند». همچنین به‌منظور بالا بردن بیشتر قدرت تجسمی بنا، سعی شده از ایجاد برجستگی در نمای اصلی خودداری شود: «در نمای اصلی فاصل

بین مجسمه و موزه کوچک، مجموعه بنا طوری ساخته شده که به‌خصوص در نمای اصلی برجستگی نباشد. یعنی ابزارکاری‌ها و تراش سنگ‌ها تماماً از داخل باشد و این به‌منظور ایجاد قدرت تجسمی و تصویری بیشتر است. فقط در قسمت موزه کوچک ۳ ناودان عظیم سنگی از متنیرون آورده‌اند که بیشتر جنبه زیبایی دارند» (همان: ۴۹-۵۰).



تصویر ۲. نما و مقطع آرامگاه نادر، ترسیم هوشنگ سیحون
(بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، زونکن ۴).

تأمین هزینه احداث آرامگاه نادرشاه و ساخت مجسمه وی یکی از دغدغه‌های اصلی متولیان انجمن آثار ملی بود. انجمن آثار ملی خراسان که درآمد معینی نداشت، برای تأمین بخشی از شش میلیون سهم خود، راه‌های مختلفی را در پیش گرفت. ابتدا یکی از بهترین تابلوهای صحنه پیروزی نادرشاه را به‌صورت رنگی و سیاه و سفید چاپ کرد و برای فروش، به‌وسیله فرمانداری‌ها و استانداری‌ها، در سراسر کشور توزیع کرد (مرکز اسناد ریاست جمهوری، همان: پرونده شماره ۲۲۰۳۸). همچنین با کمک اداره فرهنگ خراسان بلیط‌های اعانه‌ای تهیه و در دبیرستان‌ها و دبستان‌های خراسان بین دانش‌آموزان توزیع کرد و از این طریق مبلغ قابل توجهی جمع‌آوری شد. سپس این بلیط‌ها را از طریق استانداری‌ها، ادارات فرهنگ، شهرداری‌ها، فرمانداری‌ها، بخشداری‌ها و مقامات مختلف دیگر در سراسر ایران توزیع کرد. اما از این روش مبلغ کافی فراهم نیامد. بنابراین تعدادی از این بلیط‌ها را همراه با جزوه‌های مخصوصی بین

واحدهای مختلف ارتش توزیع کرد و از این طریق هم مبلغی حاصل گردید (همان، پرونده شماره ۲۵۳۵۶).

وزارت فرهنگ هم سیصد هزار ریال از بودجه عمومی اوقاف را برای سال ۱۳۳۵ و سیصد هزار ریال دیگر را برای سال ۱۳۳۶ اختصاص داد و از میان وزارتخانه‌هایی که متعهد به کمک شده بودند، فقط وزارت جنگ بود که علاوه بر سهمیه پنج میلیونی ریالی خود، مبلغ یک میلیون ریال هم اضافه پرداخت کرد (همانجا).

شخصیت نظامی و مقام نادرشاه باعث شده بود وزارت جنگ و شاه حامیان اصلی این طرح باشند. این در حالی بود که آستان قدس رضوی از معدود نهادهایی بود که به بهانه‌های مختلف از پرداخت تعهدات خودشانه خالی می‌کرد و این مسئله باعث مناقشه مسئولان انجمن آثار ملی با نایب‌التولیه آستان قدس شده بود؛ این اختلافات حتی به مطبوعات نیز کشیده شد (همان، پرونده شماره ۲۲۰۳۸).

استانداری‌ها نیز موظف شدند مبالغی را از متمکین هر استان برای ساخت آرامگاه و مجسمه نادرشاه دریافت کنند. در این میان استانداری اصفهان با توجه به وضعیت نامناسب آثار تاریخی این شهر، اعلام کرد «هرگاه استانداری بتواند و جوهی از متمکین اصفهان جمع‌آوری نماید، تأمین این منظور به مصداق چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است» می‌باشد (همانجا). این پاسخ استانداری اصفهان به مذاق سپهد آق‌اولی، رئیس هیئت مدیره انجمن آثار ملی خوش نیامد. وی «از مضمون نامه آستان دهم که نشان از عدم توجه به این موضوع مهم ملی است تعجب نموده» و می‌افزاید اگر بخواهیم شهرستان‌های ایران را درخصوص خدمتی که نادرشاه به آن‌ها کرده طبقه‌بندی کنیم، اهالی اصفهان بیشتر از سایر نقاط ایران مدیون «شهامت و شجاعت‌های» نادرشاه هستند. بنابراین، اصفهانی‌ها می‌بایستی بیشتر از همه نسبت به این موضوع ابراز علاقه کنند (همانجا).

از طرف دیگر کارت‌های اعانه‌ای که از طرف استانداری خراسان به استانداری‌ها و فرمانداری‌های سراسر کشور ارسال شده بود، با استقبال روبرو نشد و این مسئله انجمن آثار ملی را در تأمین هزینه‌های ساخت آرامگاه و مجسمه نادرشاه در مضیقه مالی و بن‌بست کاری قرار داد. بنابراین، هیئت مؤسسين این انجمن به نخست‌وزیری پیشنهاد کرد، تعرفه راه آهن تهران- مشهد و بالعکس را برای کمک به ساخت آرامگاه نادرشاه،

برای مدت معینی، به میزان ۱۰ ریال افزایش دهند و این مبلغ را در وجه انجمن آثار ملی خراسان پرداخت کنند. این پیشنهاد بلافاصله مورد موافقت و حمایت وزارت دربار قرار گرفت و از نخست‌وزیری خواسته شد که به آن عمل کند(همانجا).

عدم همکاری سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مربوط در تأمین هزینه‌های ساخت آرامگاه و مجسمه نادرشاه، برای پرداخت مطالبات شرکت کا.ژ.ت، مسئول ساختمان آرامگاه و شرکت ایتالیایی متولی ساخت مجسمه، تا آنجا پیش رفت که فرج‌الله آق‌اولی، رئیس هیئت مدیره انجمن را مستأصل ساخت و او را به مرز استعفا کشاند. وی به وزارت دربار اعلام کرد، به جز وزارت جنگ که به تمامی تعهدات خود و حتی فراتر از آن عمل کرده و تا حدودی وزارت فرهنگ، سایر نهادها، به‌ویژه آستان قدس از زیر بار مسئولیت خود شانه خالی می‌کنند:

از طرف سایر مقامات مربوطه عملاً همکاری لازم و علاقه مورد انتظار در این امر خطیر به عمل نیامده است. چنانچه بعضی از آقایان استانداران نسبت به توزیع قبض‌های تصویر نادر که مبلغ مورد تعهد استانداری و انجمن آثار ملی خراسان را باید تأمین نماید، مطلقاً از همکاری امتناع ورزیده‌اند و آستان قدس رضوی از قبول و پرداخت چهار میلیون ریال سهم خود که کمتر از کلیه سهام دیگر است، به کلی سرباز می‌زند و به این ترتیب با نحوه عمل شخصی اینجانب و تعهدی که برای کار مهم موردنظر بر عهده انجمن گذارده شده است مابینت دارد. بدین جهت ناگزیر به تقدیم استعفا از سمت ریاست هیئت مدیره انجمن مبادرت ورزید(همانجا).

توجه ویژه شاه به ساخت آرامگاه و مجسمه نادرشاه باعث شد وزارت دربار به منوچهر اقبال نخست‌وزیر، در این خصوص تذکر دهد. «شاهنشاه مقرر فرمودند علاقه و توجه مخصوص‌شان را در اتمام ساختمان آرامگاه و مجسمه نادرشاه بار دیگر به جنابعالی تذکر داده و ابلاغ نمایم». همچنین وزارت دربار از نخست‌وزیرخواست تا کلیه سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها به سرعت به تعهدات قبلی خود عمل کنند و شهرداری‌های هر محل نیز معادل صدی پنج از درآمد خود را برای تعمیر ابنیه و آثار تاریخی در اختیار انجمن آثار ملی قرار دهند(همانجا).

در همین زمان بخشنامه‌ای از طرف نخست‌وزیری برای جامه عمل پوشیدن به خواسته‌های وزارت دربار و برانگیختن حس همکاری و غرور ملی مردم، خطاب به کلیه استانداران صادر گردید. در بخشی از این بخشنامه ضمن اشاره به اهمیت آثار

تاریخی و ملی در گسترش صنعت توریسم و در نتیجه رونق اقتصادی شهرستان‌ها، آمده است:

مقتضی است به نحو شایسته به اطلاع عامه اهالی آن حوزه برسانند که حفظ و نگهداری آثار ملی و تاریخی و ایجاد موزه‌ها و کتابخانه‌ها علاوه بر آنکه موجب پیشرفت فرهنگ و کمک به برنامه‌های آموزشی می‌باشد، باعث جلب سیاحان خارجی و توقف ایرانیان غیربومی در آن محل و بالتیجه تقویت اقتصاد هر حوزه و معرفی امتعه و اشیاء هنری آن سامان به سیاحان خارجی اثرات نیکو و بسزا خواهد داشت. بنابر آنچه گذشت انتظار می‌رود موضوع را در شوراها صلاحیت‌دار مطرح و برای تأمین اعتبار مستمر اقدامات لازم معمول و نتیجه را با نتیجه فروش کارت‌ها اعلام فرمایند(همان‌جا).

اما به دلیل وضعیت رقت‌بار اقتصادی مردم در شهرستان‌ها، فشار دولت و استانداری‌ها برای جمع‌آوری اعانه‌های مردمی با عکس‌العمل مثبت آن‌ها مواجه نشد؛ چنانکه کارمندان شهرداری شیراز از خرید بلیط‌های ارسالی به شیراز به دلیل وضعیت بد مالی‌شان، خودداری کردند(سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ا.: سند شماره ۶۲۱۷۸-۲۹۳). رئیس اداره فرهنگ شهرستان بندرلنگه نیز قبوض مربوط به ساخت آرامگاه نادرشاه را عودت داد و اعلام کرد مردم و دانش‌آموزان این منطقه به علت وضعیت رقت‌بار خود، قادر به خرید قبوض مذکور نیستند(همان‌جا).

بنابراین، وقتی دولت نتوانست به روش مستقیم از کمک مردم بهره‌مند شود، به‌طور غیرمستقیم وارد عمل شد و هیئت‌وزیران در جلسه آذرماه ۱۳۳۶ خود برای رفع بخشی از مشکلات مالی انجمن آثار ملی در ساخت آرامگاه نادرشاه، تصویب کرد از هر مسافر خط آهن تهران - مشهد و بالعکس که با درجه یک مسافرت می‌کند، معادل سی‌ریال؛ درجه دو، بیست ریال و درجه سه، ده ریال علاوه بر بهای بلیط مسافر، ازاول دی‌ماه ۱۳۳۶، تا مدت دو سال اخذ و در اختیار انجمن آثار ملی قرار گیرد. وزارت راه تصویب چنین مصوبه‌ای را به ضرر راه‌آهن ایران می‌دانست و با آن مخالف بود. این وزارتخانه اعتقاد داشت:

برقراری این‌گونه عوارض و اضافه شدن نرخ بلیط مسافرت راه آهن نسبت به سایر وسایط نقلیه مجال و فرصت کافی به دست مؤسسات حمل و نقل می‌دهد که آزادانه با راه‌آهن که دارای تعرفه معین و نرخ ثابت می‌باشد رقابت نموده و مسافر و بار را بنا به

مقتضیات زمان ارزان‌تر و بدون معارض حمل و نقل نمایند (مرکز اسناد ریاست جمهوری، همان: پرونده شماره ۲۵۳۳۸).

در این زمان انجمن آثار ملی گزارشی از پیشرفت مراحل آماده‌سازی ساختمان آرامگاه نادرشاه و شروع ساخت مجسمه وی در ایتالیا، به نخست‌وزیر ارائه کرد و خواستار خارج شدن انجمن از مضيقه مالی، با عمل به دستورات شاه، مبنی بر افزایش ده ریال به بهای بلیط راه آهن تهران- مشهد و بالعکس، تخصیص پنج درصد از درآمد شهرداری‌ها برای خدمات مربوط به آثار تاریخی و پادارکردن رقمی در حدود سالی ده میلیون ریال به نام انجمن آثار ملی در بودجه کل کشور تا خاتمه کار آرامگاه و مجسمه نادرشاه و ادامه آن برای سایر وظایف محوله به انجمن آثار ملی شد (همانجا).

انجمن آثار ملی خراسان نیز با چاپ آگهی، دست به دامان مردم خراسان شد و سعی کرد با برانگیختن احساسات ملی آن‌ها و یادآوری افتخارات خراسان، از آنان بخواهد تا «با ابراز احساسات ملی و بذل کمک مالی برای اتمام ساختمان آرامگاه، بیش از پیش بر افتخارات خود بیفزایند» (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ا.: سند شماره ۲۹۳-۴۲۱۷۸).

نکته حایز اهمیت این است که انجمن آثار ملی در حالی که به سختی درگیر تأمین منابع مالی هزینه‌های ساخت آرامگاه و مجسمه نادرشاه بود، از اواسط سال ۱۳۳۷، حسب نظر شاه، تصمیم گرفت ساخت آرامگاه خیام و عطار نیشابوری و نیز کمال‌الملک را با طرح و نقشه هوشنگ سیحون که به تصویب دانشکده هنرهای زیبا و هیئت مؤسسين انجمن رسیده بود، شروع کند تا همزمان با افتتاح آرامگاه نادرشاه به دست شاه، آرامگاه‌های مذکور نیز افتتاح شوند. محل اصلی تأمین هزینه‌ی آن‌ها همانند آرامگاه نادرشاه، وصول عوارض از مسافرین خط راه‌آهن تهران- مشهد و بالعکس پیش‌بینی شده بود (مرکز اسناد ریاست جمهوری، همان: پرونده شماره ۲۹۳۵۶).

در گزارشی که در مهر ماه ۱۳۳۷ انجمن آثار ملی از میزان درآمد و هزینه کرد آرامگاه و مجسمه نادرشاه ارائه داد، نشان از کسر درآمد انجمن و بدهی آن دارد. تا این تاریخ میزان هزینه کرد انجمن در این زمینه ۲۷/۲۹۴/۹۸۵/۹۱ ریال بود، در حالی که جموع درآمد حاصل از تلاش‌های صورت گرفته، ۱۷/۳۷۰/۸۷۸ ریال را نشان می‌داد (همانجا). شرایط سخت مالی انجمن آثار ملی و عدم پای‌بندی آستان قدس رضوی به تعهداتش، باعث شکایت انجمن از آستان قدس نزد وزارت دربار شد که آستان قدس مغایر فرمان

شاه به تعهدات خود در قبال ساخت آرامگاه نادرشاه عمل نکرده است. سیدفخرالدین شادمان، نایب‌التولیه آستان قدس، در جواب به اعتراض مذکور، برآشفته شد و پاسخی طولانی و شدیدالحنه وزارت دربار، ارسال کرد: «ای کاشکی که تیمسار سپهد آق‌اولی چنین نامه‌ای نمی‌نوشتند و کاش وزارت دربار شاهنشاهی به جای فرستادن رونوشت این مکتوب عجیب برای نایب‌تولیت عظمی، نویسنده آن را متوجه می‌فرمودند که از این قبیل نامه‌ها به دکتر سید فخرالدین شادمان نمی‌توان نوشت». شادمان در بخش دیگری از این نامه اخذ عوارض از مسافران مشهد و زوار امام رضا(ع) را به نوعی جزء کمک آستان قدس قلمداد کرد و خاطر نشان ساخت:

در شرفیابی اخیر در روز سه‌شنبه ۲۵ آذرماه نیز مخصوصاً در پیشگاه مبارک شاهانه معروض داشتم که انجمن آثار ملی مزاحم آستان قدس شده است و با آنکه از مسافران و زوار برای ساختن مقبره نادرپول می‌گیرند باز از دستگاهی که ذخیره این دارد و برای اتمام تعمیرات لازم ابنیه و آثار تاریخی خود محتاج هرنوع مساعدت است چهار میلیون ریال می‌خواهند و بیش از یک میلیون ریال نمی‌توان داد و با توجه به جوانب امر مصلحت نیست که داده شود و اجازه گرفتم که این مطلب را ابلاغ نمایم و اکنون بدین وسیله، آن را ابلاغ می‌کنم. به خدا و به روح مکرم علی بن موسی‌الرضا صلاح نیست که با این اصرار و با وجود عوارضی که از زوار گرفته می‌شود، از آستان قدس که در آن آقای رجبعلی افسر ده با زن و ۵ فرزند در ماه از بابت مواجب و حق اولاد و فوق‌العاده ۱۸۵۰ ریال [...] می‌گیرند بیش از آنچه نایب‌تولیت عظمی موافق مصلحت تشخیص دهد چیزی بگیرند (بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: سند شماره ۹۲۹).

به نظر می‌رسد با توجه به شخصیت مذهبی شادمان، او مخالف هزینه‌کرد منابع مالی آستان در امری غیرمذهبی بوده و آن را غیرمشروع می‌دانسته است. نگاهی که در ساخت آرامگاه فردوسی نیز توسط کسانی چون آیت‌الله سیدرضا فیروزآبادی نمایندگی می‌شد.

مشکلات ساخت آرامگاه نادرشاه افشار بر موضوعات و مسائل گوناگونی دلالت داشت. اوضاع بد اقتصادی ایران پس از کودتا یکی از مشکلات ایران بود، اما شاه برای هزینه بخش مهمی از بودجه برای ارتش و مسائل مورد نظر خودش اصرار داشت. نظامیان به جز مدیریت در سازمان‌ها و نهادهای نظامی، در سازمان‌های غیرنظامی هم

مسئولیت پیدا کرده بودند. این مسئولیت‌ها به تنش میان آنان و تکنوکرات‌ها و نخبگان دولتی دامن می‌زد. ساخت آرامگاه نادرشاه نمونه‌ای از این چالش‌ها بود.

سرانجام عملیات ساخت آرامگاه نادرشاه افشار در سال ۱۳۴۰ با هزینه‌ای معادل ۵۵/۳۰۰/۰۰۰ ریال به اتمام رسید. شش میلیون ریال این مبلغ به وزارت جنگ، ۱۱/۹۵۱/۰۰۰ ریال به وزارت فرهنگ، ۳/۱۸۰/۰۰۰ ریال به توزیع و فروش تصاویر مربوط به جنگ‌های نادرشاه در سراسر کشور، ۲۲/۳۷۱/۰۰۰ ریال به عوارض مخصوص دریافت شده از مسافرین راه آهن دولتی تهران-مشهد و بالعکس و در نهایت ۱۱/۷۹۸/۰۰۰ ریال به کمک وزارت دارایی اختصاص داشت. (معصومی، ۱۳۵۵: ۱۱۸)

افتتاح آرامگاه نیز، در ۱۲ فروردین ۱۳۴۲ با حضور محمدرضا شاه پهلوی در مشهد صورت گرفت و تا پایان این سال، ۶۲۰۰۰ نفر با تهیه بلیط از این مجموعه بازدید کردند (بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: سند شماره ۲۴).

پس از تکمیل بنای آرامگاه نادرشاه، تصمیم گرفته شد علاوه بر راه‌اندازی موزه‌های اسلحه دوره نادرشاه و قبل از آن، سکویی در نزدیکی بنا برپا شود و یکی از توپ‌های زمان نادرشاه افشار روی آن قرار گیرد تا «بر عظمت» این بنا بیفزاید و برای همیشه نمادی از شخصیت نظامی نادر در معرض دید بازدیدکنندگان قرار دهد (همان: سند شماره ۶۸۴). ابتدا قرار بود یک ارابه توپ متعلق به دوره قاجار از قلعه خرابه سلاسل شوشتر به محل آرامگاه نادرشاه منتقل شود، اما با مخالفت مردم شوشتر که از این توپ برای اعلان زمان سحری و افطار در ماه رمضان استفاده می‌کردند، مواجه شد (همان: سند شماره ۱۴۹۸۱). سپس یکی از توپ‌های نادری که در کلات و لطف‌آباد خراسان نگهداری می‌شد، پس از انتقال به موزه ارتش، در آرامگاه نادر نصب گردید (همان: سند شماره ۸۰۴۲/۱۷۸۷۹). مجموع فضای باغ نادری که با نرده‌های آهنی مخصوص احاطه شده و ابنیه آرامگاه ۱۴۴۰۸ مترمربع است که ۱۳۰۷/۵۵ متر مربع آن بنای اصلی آرامگاه و مجسمه و ۳۷۷/۳۵ مترمربع نیز ابنیه تابعه آن است (معصومی، ۱۳۵۵: ۱۱۷).

۵. مجسمه نادرشاه

نخستین اقدام انجمن آثار ملی برای ساخت مجسمه نادرشاه به قبل از شروع رسمی فعالیت دوره دوم آن برمی‌گردد. این گام را گروهی از شخصیت‌های سیاسی، نظامی و

فرهنگی برداشتند که پیش از این در شهریور ۱۳۲۲، به درخواست متفقین، به جرم ارتباط و حمایت از دولت نازی آلمان، در دولت علی سهریلی بازداشت و در زندان انگلیسی‌ها در اراک زندانی شده بودند (عاقلی، ۱۳۸۰: ج ۱/ ۲۵). در اسناد بایگانی راکد انجمن آثار ملی، سندی به تاریخ اول بهمن ۱۳۲۲ موجود است که نشان از تشکیل هیئت مدیره‌ای توسط این افراد، برای ساخت مجسمه نادرشاه افشار، دارد.

در تعقیب دعوت‌نامه‌ای که برای عملی ساختن تهیه مجسمه یادگار نادرشاه افشار در زندان اراک صادر گردیده بود، روز اول بهمن ماه ۱۳۲۲، ساعت ۱۰ صبح، جلسه اول با حضور آقایان نامبرده زیر در اطاق شماره ۱ تشکیل گردید: ۱. جناب آقای دکتر احمد متین‌دفتری، ۲. تیمسار سرلشکر فرج‌الله آق‌اولی، ۳. آقای نقیب‌زاده مشایخ، ۴. آقای مهندس ناصح ناطق، ۵. آقای مهندس جعفر شریف‌امامی، ۶. آقای مهندس حبیب‌الله فتحی، ۷. آقای مهندس ساهاک گرینفیلد، ۸. آقای مهندس هوشنگ سمیعی، ۹. آقای خسرو اقبال، ۱۰. آقای جهانگیر تفضلی، ۱۱. آقای فردریک تالبرگ، ۱۲. آقای مهندس عباس مزدا، ۱۳. آقای غلامرضا یمانی، ۱۴. آقای هادی سپهر، ۱۵. آقای نورالله لارودی (بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: اسناد ساماندهی نشده ۱۳۹۸/۱-).

پس از تشکیل این جلسه و مذاکره درخصوص اساس کار و مشاوره درباره سازمان هیئت‌مدیره و مؤسسين اجرای این فکر و مشاهده طرحی که تالبرگ برای مجسمه نادرشاه تهیه کرده بود، سرلشکر فرج‌الله آق‌اولی به‌عنوان رئیس هیئت مؤسس، جواد بوشهری، نایب رئیس، مهندس شریف‌امامی، رئیس فنی، جهانگیر تفضلی، رئیس قسمت تبلیغات، عباس مزدا، رئیس امور مالی و نورالله لارودی به‌عنوان منشی هیئت انتخاب شدند. همچنین در این جلسه کمیسیونی فنی، مرکب از ناصح ناطق: رئیس کمیسیون، جعفر شریف‌امامی: معاون کمیسیون، فردریک تالبرگ، هوشنگ سمیعی، ساهاک گرینفیلد، مهندس حبیب‌الله فتحی، عباس مزدا و نورالله لارودی تشکیل شد (همان: اسناد ساماندهی نشده ۱۳۹۸/۲-). با توجه به اینکه نشانی از این مجسمه در دست نیست، گویا این اقدامات در عمل نتیجه چندانی در بر نداشته است. اما مهم‌ترین و ماندگارترین مجسمه‌ای که از نادرشاه ساخته شد، همان مجسمه‌ای است که به سفارش انجمن آثار ملی، به‌وسیله ابوالحسن صدیقی، در ایتالیا ساخته شد و در آرامگاه نادر نصب گردید. البته ابوالحسن صدیقی پیش‌تر برای صادق صادق (مستشارالدوله) از نادرشاه مجسمه نیم‌تنه‌ای، از جنس مرمر، ساخته بود که بعداً به شهرداری مشهد تعلق

گرفت. این مجسمه پس از ساخت آرامگاه نادر، با موافقت شهرداری مشهد، به تالار موزه سلاح زمان نادرشاه منتقل شد (بحرالعلوم، ۱۳۵۵: ۲۶۴).

به موجب قراردادی که در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۳۵ بین انجمن آثار ملی و ابوالحسن صدیقی منعقد شد، وی موظف شد، با مبلغ ۷۲۰ هزار ریال، مجسمه گچی بزرگ نادر را برای برنریزی تهیه و تلاش کند حتی المقدور گروپ مجسمه نادر در ایران ساخته شود (همان: ۲۵۵). صدیقی پس از مسافرتی پنجاه روزه به ایتالیا و بررسی مؤسسات ساخت مجسمه در آنجا، در ۲۵ بهمن ۱۳۳۵ به انجمن آثار ملی گزارش داد که ساخت مجسمه در خارج از کشور به دو طریق برنریزی به وسیله قالب گیری با ماسه و برنریزی با موم انجام می شود و از نقطه نظر فنی روش با موم که اصطلاحاً «موم گمشده» نامیده می شود، مناسب ساخت مجسمه نادر است. صدیقی با بیان اینکه در داخل کشور امکان برنریزی مجسمه با موم نیست، پیشنهاد کرد، ساخت مجسمه با کیفیت بهتر و هزینه کمتر در ایتالیا انجام شود. بنابراین با موافقت انجمن، از میان مؤسسات مجسمه سازی فلورانس، ناپل و برونی در رم، مؤسسه برونی که مجهزتر و کم هزینه تر از دیگران بود، برای ساخت گروپ مجسمه نادر انتخاب شد (بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: اسناد ساماندهی نشده/۱۳۹۸-۳). ابوالحسن صدیقی در گزارش مورخ هفتم اسفند ۱۳۳۵ خود، هزینه ساخت مجسمه نادر در ایران را ۵۰۷۰۰۰۰ ریال و هزینه ساخت آن به وسیله مؤسسه برونی و حملش به ایران را ۴۱۵۴۰۰۰ ریال برآورد کرد (همان، اسناد ساماندهی نشده/۱۳۹۸-۴). هنوز یک سال از این توافقات نگذشته بود که صدیقی در گزارشی که در ۱۸ بهمن ۱۳۳۶ از رم به فرج الله آقاولی، رئیس هیئت مدیره انجمن فرستاد، ضمن اشاره به شرایط سخت زندگی در رم و گران بودن مزد کارگر و تهیه مصالح ساخت مجسمه نادرشاه، از تغییر ابعاد مجسمه و افزایش هزینه های ساخت آن نوشت:

کار ساخت مجسمه نادر در کارخانه برونی ایتالیا با تغییر تعداد سربازها از دو نفر به سه نفر و ارتفاع مجسمه از ۴/۵ متر به ۵ متر افزایش یافته و این امر باعث شد وضع و حرکت اسب هم بکلی تغییر یافته، زیرا در طرح قبلی اسب روی سه پا ایستاده بود، ولی حالا روی دو پا ایستاده و این خود عمل قالب گیری و برنریزی را مشکل کرده و خود باعث افزایش قیمت شده است (بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی: اسناد ساماندهی نشده/۱۳۹۸-۹).

انجمن آثار ملی در پاسخ به نامه صدیقی، ضمن اشاره به پیشرفت کارهای ساختمانی آرامگاه نادرشاه و پیش‌بینی اتمام آن تا پایان سال ۱۳۳۷، از به تأخیر افتادن ساخت مجسمه نادرشاه و شرایط پیشنهادی قرارداد کارخانه برونئی ایتالیا، ابراز تأسف شدید کرد (همان، سند شماره ۴۵۶). با وجود این، انجمن برای جلب رضایت ابوالحسن صدیقی به منظور تسریع در کار، پذیرفت علاوه بر مبلغ یک میلیون ریالی که قبلاً متعهد به پرداخت به وی شده بود، مبلغ یکصد و بیست هزار ریال دیگر هم در مقابل ساخت ماکت گچی مجسمه، اقامت در ایتالیا و نظارت بر مراحل ساخت و نصب مجسمه اصلی به او بپردازد. اما افزایش مبلغ قرارداد کارخانه برونئی را غیرمنطقی و غیرعملی دانست و تهدید کرد در صورت اصرار کارخانه بر مبلغ پیشنهادی خود و روشن نبودن تعهدات آن، کار را به کارخانه دیگری واگذار خواهد کرد (همان، اسناد ساماندهی نشده/۱۰-۱۳۹۸).



تصویر ۳: سرباز پرچمدار مجسمه نادرشاه (با یگانگی عکس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی).



تصویر ۴: سربازان شیپورزن و تفنگدار مجسمه نادرشاه

(بایگانی عکس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی).

ابوالحسن صدیقی، مسافرت برونی و سازنده مجسمه‌های کارخانه مذکور به آمریکای جنوبی را مهم‌ترین دلیل تأخیر در ساخت مجسمه نادرشاه عنوان کرد. او ضمن گلایه از مقایسه ساخت بنای آرامگاه با ساخت یک گروه مجسمه، اعلام کرد با کمک نوری اسفندیاری، سفیر ایران در رم، در تلاش است شرایط مورد نظر انجمن را در قرارداد کارخانه برونی منظور نماید (همان: اسناد ساماندهی نشده ۱۳۹۸/۱۱). در این زمان هوشنگ سیحون که در راه مسافرت به بلژیک بود، از طرف انجمن به رم رفت تا درخصوص مذاکرات با کارخانه برونی و مشخصات مجسمه با صدیقی صحبت کند (همانجا). سرانجام در یازدهم خرداد ۱۳۳۷، انجمن آثار ملی قراردادی با آرتور برونی، نماینده کارخانه ریخته‌گری برونی ایتالیا، به مبلغ ۲۵/۵۰۰/۰۰۰ لیر برای ساخت مجسمه نادرشاه امضا کرد و نظارت فنی و کنترل کامل اجرای این قرارداد نیز از طرف انجمن به ابوالحسن صدیقی واگذار شد (همان: اسناد ساماندهی نشده ۱۳۹۸/۱۲).

به‌رغم انعقاد قرارداد ساخت مجسمه نادرشاه با کارخانه برونی، مشکلاتی که برای صدیقی در ایتالیا پیش آمد، روند آماده‌سازی مجسمه را دچار مشکل ساخت. صدیقی در نامه‌های خود، ضمن گزارش مراحل پیشرفت کار تهیه و ساخت مجسمه‌گروه نادرشاه

افشار، از عدم تمدید مأموریتش در ایتالیا و قطع حقوق وی توسط دانشگاه تهران به شدت گلایه داشت و نوشت:

البته مستحضرنند که این مسافرت بنا به پیشنهاد انجمن آثار ملی و امر ملوکانه و ضمناً با موافقت دانشگاه انجام شد. با این وصف، می‌بینم از هر طرف ایجاد ناراحتی می‌شود که مانع پیشرفت کار شده [...] این‌که مأموریت نشد [...] این را هم باید عرض کنم که به این کار خیلی بیش از آنچه که پیشنهاد شده بود، مخارج تعلق گرفته است. مثلاً کارگری که به کمک می‌گیرم، باید روزانه بیش از حقی که برای خودم در نظر گرفته بودم، به او اجرت بدهم و از این حیث در واقع بنده کارگر هستم (همان: اسناد ساماندهی نشده ۱۳۷-۱۳۹۸).

سرانجام مجسمه گروپ نادرشاه افشار، تماماً از مفرغ، به ارتفاع ۶/۵ متر، شامل دو صفحه نیم‌برجسته بزرگ و سه سرباز شیپورزن، پرچمدار و تفنگ‌دار، با هزینه‌ای بالغ بر ۶/۶۲۷/۹۳۷ ریال در ایتالیا ساخته و در تیرماه ۱۳۳۹، به وسیله کشتی از بندر Livorno ایتالیا به بندر خرمشهر حمل شد (مرکز اسناد ریاست جمهوری، همان، پرونده شماره ۵۰۱۶۹). سپس این مجموعه در ۲۸ مرداد ۱۳۳۹ وارد مشهد شد و در ۱۷ آبان ۱۳۳۹، به وسیله برونی و دو نفر از همراهان وی که برای این منظور وارد مشهد شده بودند و با حضور ابوالحسن صدیقی، بر فراز پایه‌ای بلند از سنگ گرانیت، به ارتفاع ۱۷ متر، با بیش از ۱۴ تن وزن، در باغ موزه نادری مشهد نصب شد. (بحرالعلومی، ۱۳۵۵: ۲۶۱).



تصویر ۵: کروپ مجسمه نادرشاه (بایگانی عکس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی).

۶. نتیجه گیری

همواره استفاده از مقبولیت و جایگاه اجتماعی شخصیت‌های تاریخی در راستای اهداف سیاسی و ایدئولوژیک قدرت سیاسی امری متداول بوده است. انتخاب نادرشاه برای ساخت آرامگاه و مجسمه او در این برهه تاریخی نیز، از این قاعده مستثنی نیست. نادرشاه پس از نابسامانی‌های اواخر دوره صفویه و شورش افغان‌ها، یک منجی شمرده می‌شد. شاید در نظر هیئت مدیره انجمن آثار ملی، ایران نیز دوره‌ای همچون اواخر صفویه را از سر می‌گذراند و حال لازم بود احساسات ملی در دوره اشغال برانگیخته شود؛ احساساتی که در این دوره فروخته و تحقیر شده بود. محمدرضا شاه نیز پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در پی آن بود خود را با نمادی همچون نادرشاه پیوند بزند. نمادی که در نزد نخبگان و توده‌هایی نماد و نشانی از اقتدار بود. اهمیت این کار در نزد محمدرضا شاه، زمانی مشخص می‌شود که با وجود تضییقات مالی کشور در این برهه و مخالفت برخی از نهادها و کارگزاران حکومتی سعی شد این اقدام با وجود موانع بسیار به ثمر بنشیند.

کتاب‌نامه

۱. آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. اسناد شماره ۶۲۱۶۸-۲۹۳، ۲۹۳-۴۲۱۷۸-۲۹۳.
 ۲. بایگانی راکد انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. اسناد ساماندهی نشده: (۱-۱۳۹۸/، ۲-۱۳۹۸/، ۳-۱۳۹۸/، ۴-۱۳۹۸/، ۵-۱۳۹۸/، ۶-۱۳۹۸/، ۷-۱۳۹۸/، ۸-۱۳۹۸/، ۹-۱۳۹۸/، ۱۰-۱۳۹۸/، ۱۱-۱۳۹۸/، ۱۲-۱۳۹۸/، ۱۳-۱۳۹۸/).
 ۳. اسناد دارای شماره بازیابی. شماره: ۲۴، ۴۵۶، ۶۱۴، ۹۲۹، ۱۴۹۸۱، ۱۷۸۱۷۹/۱۰۴۲.
 ۴. بایگانی عکس انجمن آثار ملی.
 ۵. بحرالعلومی، حسین (۱۳۵۵). کارنامه انجمن آثار ملی از آغاز تا ۲۵۳۵ شاهنشاهی (۱۳۰۱ - ۱۳۵۵ هجری خورشیدی). تهران: انجمن آثار ملی.
 ۶. بهرامی، روح‌الله و عیسی عبدی (۱۳۸۰). اسنادی از باستان‌شناسی در ایران (حفریات، عتیقات و بناهای تاریخی). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۷. پورشالچی، محمود (۱۳۹۸). قزاق: عصر رضاشاه پهلوی براساس اسناد وزارت خارجه فرانسه. تهران: مروارید.
 ۸. رمضانیان، سپاس (۱۳۹۳). معمار یادها و مقبره‌ها. تهران: رادیان.
 ۹. عاقلی، باقر (۱۳۸۰). شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران. جلد‌های ۱، ۲ و ۳. تهران: گفتار و علم.
 ۱۰. عضدانلو، حمید (۱۳۸۰). گفتمان و جامعه. تهران: نی.
 ۱۱. کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۷۳). ایران و قضیه ایران. ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی. تهران: علمی و فرهنگی.
 ۱۲. کلگ، استوارت. آر (۱۳۸۰). چهارچوب‌های قدرت. ترجمه مصطفی یونسی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 ۱۳. مرکز اسناد ریاست جمهوری. پایگاه نخست‌وزیری. پرونده‌های شماره ۱۷۶۵۰، ۲۹۳۵۶، ۲۲۰۳۸، ۲۵۳۳۸، ۵۰۱۶۹.
 ۱۴. معصومی، غلامرضا (۱۳۵۵). شمه‌ای از امور باستان‌شناسی در ایران و اقدامات انجام شده در پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی. بررسی‌های تاریخی. شماره ۵، آذر و دی، سال یازدهم، ص ۱۰۷-۱۷۰.
 ۱۵. هیدنس، باری (۱۳۸۰). گفتارهای قدرت از هابز تا فوکو. ترجمه مصطفی یونسی. تهران: شیرازه.
16. Grigor, Talinn, 2009, Building Iran: Modernism, Architecture, and National Heritage under the Pahlavi Monarchs: Periscope.